

در ایران اساساً سیاست آبی نداشته‌ایم

ریشه‌یابی مشکلات در خوزستان

ناصر کرمی - دانشیار دانشگاه تروندهایم نروژ

را که کشاورزی بوده به صورت بی‌رویه‌ای بین دو تا چهار برابر افزایش داده‌ایم. درباره اینکه آیا دولت مسئول آب است یا نه، باید ابتدا تکلیف خود را بین دولت و حاکمیت مشخص کنیم. در حاکمیتی که اقتصاد، سیاست، زیرساخت و همه چیز دست دولت است چرا آب نباید دست دولت باشد و مسئولیت آب با دولت و حاکمیت نباشد؟ منابع آب، تخصیص و توزیع آب در اختیار دولت است. حتی مصرف‌کننده آب دولت است. بخش مهمی از کشاورزی در اراضی واگذاری دولت صورت می‌گیرد. وقتی دولت صفر تا ۱۰۰ تأمین و توزیع آب را بر عهده دارد، چرا نباید مسئولیت و تبعات نبود و کمبود آن را به او نسبت داد؟

تأمین آب شرب خوزستان قابل حل است اگرچه هزینه زیادی دارد. یعنی اگر در بالادست خوزستان، آب را رها کنند و سهم کمتری از سرشاخه‌های دز، کارون، کرخه و... برداشت شود و از پائین دست نیز به سمت شیرین‌سازی آب دریا رفت، می‌توان مشکل آب را در خوزستان حل کرد. یعنی نیمه جنوبی خوزستان با شیرین کردن آب دریا و نیمه شمالی با استفاده از آب رودخانه‌ها سیراب می‌شود.

بحث فرسودگی زیرساخت‌ها نیز با سرمایه‌گذاری قابل حل است و در عین حال با محدود کردن طرح‌های پرمصرف مثل توسعه کشت نیشکر نیز می‌توان از مصرف آب جلوگیری کرد. مسئله‌ای که بیش از هر چیز در خوزستان بحث برانگیز

مردم خوزستان از رودخانه‌ها تأمین می‌شود. یعنی از آب‌های سطحی استفاده شده است. رودخانه‌های کرخه و کارون و... به طور متوسط در حال حاضر تنها ۲۰ درصد ظرفیت تاریخی خود آب دارند. یعنی دبی رودخانه‌ها که در هزار سال گذشته به طور متوسط عددی بوده، اکنون به ۲۰ درصد رسیده است. اینکه یک منبع ۷۰ درصدی در حال حاضر تنها ۲۰ درصد ظرفیتش آب دارد به معنی این است که خوزستانی‌ها الان ۵۰ درصد منبع آب را از دست داده‌اند. اما برعکس نیاز در خوزستان افزایش پیدا کرده است. خوزستان به شدت در حال رشد است. شهر شوش در سراسر کشور سریع‌الرشدترین شهر از نظر جمعیت، نرخ زاد و ولد و... بوده است. جمعیت زیاد شده است، نیازها افزایش یافته اما آب در دسترس عملاً نصف شده است.

باید به صراحت گفت ما در ایران اساساً سیاست آبی نداشته‌ایم که حالا در تحلیل وضعیت آب بخواهیم بگوئیم این سیاست‌ها شکست خورده است. ما نوعی پروژه نامناسب را به کل سرزمین تحمیل کرده‌ایم که آن پروژه، زمین را ویران کرده است. آن پروژه شامل توسعه کشاورزی ناپایدار و بی‌رویه و تلاش برای خودکفایی یکسری از محصولات است. جان ماجرا اینجاست. اینکه الگوها غلط بوده یا مصرف اضافه بوده، آموزش نبوده یا الگوی مصرف درستی مورد استفاده قرار نگرفته است، اینها همه نکات فرعی است. ما حداقل با اختلاف مصرف‌کننده اصلی آب

چرایی شکل‌گیری و سیرتاریخی مشکلات آب را باید به دو بخش تقسیم کرد. یکی پروژه کلان توسعه کشاورزی مثل خودکفایی گندم و دیگر محصولات کشاورزی است که همزمان با انقلاب، بین دو تا چهار برابر سطح زیرکشت با الگوهای غلط افزایش پیدا کرد. نیاز آبی برای رسیدن به خودکفایی روز به روز افزایش پیدا کرد و این سیاست آب‌های کشور را بلعید. اما از ۲۰ سال پیش یعنی از نیمه دهه ۷۰ ما با آغاز یک دوران «خشکیدگی» مواجه شدیم که ناشی از تغییر اقلیم و خشکسالی بلندمدت بوده است. این مشکل کم و بیش در سراسر کشور وجود دارد و طبیعتاً در مناطقی که بیشتر تحت تأثیر تغییر اقلیم هستند، بعد در مناطقی که تحت تأثیر کشاورزی ناپایدار قرار دارند و در نهایت مناطقی مثل سیستان و بلوچستان، خوزستان، هرمزگان و... که از نظر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آسیب‌پذیرتر هستند، مضرات بیشتر بوده است.

خوزستان به لحاظ جغرافیایی جایی است که بیشترین مشکل را داشته است. قاعدتاً جلگه خوزستان نباید دچار مشکل کم‌آبی می‌شد اما نوعی مهندسی سرزمین افراطی در این منطقه رخ داده است. یعنی نظام ژئوفورمولوژیک زمین، توسعه شهرها، توسعه کشاورزی و... خارج از ظرفیت جلگه خوزستان رخ داده است و در بالادست آب‌هایی که به جلگه خوزستان سرازیر می‌شده است به این طرف و آن طرف کشور انتقال داده‌ایم. اگر بخواهیم مثال مشخصی بزنیم باید گفت ۷۰ درصد آب آشامیدنی

است، کشاورزی است. کشاورزی در خوزستان باید به مرزهای تاریخی پیش از انقلاب برگردد. افزایش بی‌رویه کشاورزی با الگوهای کشت ناپایدار باید تعطیل شود. خوزستان یکی از بالاترین نرخ‌های بیکاری را دارد و از نظر ژئوپولیتیک خوزستان مستعد تغییرات جدی است. اقلیت‌های قومی و به صورت محدود اقلیت مذهبی دارد. ما در خوزستان کنار مرزی هستیم که بارها در طول تاریخ پرتنش بوده است. در چنین جایی دولت اگر پایداری و آرامش می‌خواهد باید سرمایه‌گذاری بیشتری بکند. دولت باید بپذیرد تعدادی از مشاغل مرتبط با کشاورزی در خوزستان قابل تداوم نیست و باید برای ایجاد شغل سرمایه‌گذاری متفاوتی صورت گیرد.

باید در نظر گرفت هنوز تبعات تغییرات اقلیمی در خوزستان به وضوح دیده نشده است. من بیش از یک دهه است که درباره تغییرات اقلیمی هشدار داده‌ام اما هرگز توجهی نشد. امروز هم به این هشدارها توجهی نمی‌شود. مدیران نامسئول و ضعیف و بدون تخصص، همین الان هم موضوع تغییر اقلیم را بر نمی‌تابند و موضوع را به یک خشکسالی موقت تقلیل داده‌اند و این دروغ محض است. خوش‌بینانه

باید گفت این اظهار نظرها از سوی افراد مسئول در ایران از سرب‌بی‌اطلاعی است و بدبینانه باید گفت اینها می‌خواهند به این بهانه پروژه‌های اقتصادی خود را بگیرند. قراردادهای میلیاردی که در خوزستان بسته شده و اسناد آن قابل بررسی است اغلب با کتمان واقعیت صورت گرفته تا سود سرشاری برای عده‌ای داشته باشد. اینها کسانی هستند که دولت را فریب می‌دهند تا سرزمین با سرنوشت تازه روبرو نشود و نتواند خود را منطبق کند و زحمات زیادی که کشیده شده هدر دادند. کافی است با یک جستجوی ساده وضعیت تغییر اقلیم در خاورمیانه را مشاهده و البته هوشمندانه به چشم‌انداز ایران نگاه کرد.

بحران انسانی در خوزستان شروع شده است. تمایل به مهاجرت در این استان به مرز ۹۰ درصد رسیده. بحران جدی‌تر این است که خوزستان به شدت مستعد خشونت و ناآرامی است. لزوماً قرار نیست خشونت قابل پیش‌بینی در خوزستان قومی و مذهبی باشد. این احتمال ناشی از نوعی احساس تبعیض است. این احساس تبعیض خوزستان را مستعد اعتراض‌های خیابانی و شیوع آسیب‌های اجتماعی از جمله سرقت، قتل و جنایت

می‌کند. اگر دولت اشتغال مرتبط با کمبود آب و کشاورزی، همین طور تأمین آب شرب را به سرعت انجام ندهد، مردم با این احساس تبعیض حتماً چالش‌های جدی برای دولت درست می‌کنند. در ذهن مردم افسانه‌ای وجود دارد که منابع آب و نفت و ثروت ما را دارند می‌برند و ما چرا در فقر زندگی می‌کنیم! آنها احساس می‌کنند خوشبختی آنها غارت شده است. خوزستان با بسیاری از استان‌های دیگر ایران تفاوت دارد. سال‌های آخر دهه ۵۰ برای مردم خوزستان یک عصر طلایی به حساب می‌آید. خوزستان در حال رشد بود و کارخانه‌ها یکی پس از دیگری راه افتاد و اشتغال رونق داشت و سبک زندگی مردم به سرعت در حال تغییر بود. فیلم‌های فارسی به وضوح این تغییر سبک زندگی و رونق را در سال‌های دهه ۵۰ نشان می‌دهد. قیصر قرار است از آبادان برگردد و پدر تبهکاران را در بیاورد! قیصر از تهران رفته بود آبادان کار کنند.... این تصویر مردم از خوزستان خودشان است. این احساس تبعیض خوزستان را مستعد ناآرامی و اعتراض می‌کند و باید چاره‌ای اندیشیده شود.

مأخذ: www.tejaratefarda.com (۱۳۹۷)، با تلخیص

